

عشق: دریچه‌ای به خیال

گزیده‌ای از اشعار محلی

حسن رنجبر

www.ketab.ir

انتشارات نوید شیراز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	: رنجبر، حسن، ۱۳۷۱.
عنوان و نام پدیدآور	: عشق دریجهای رو به خیال: گزیده‌ای از اشعار محلی / حسن رنجبر.
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	: ۲۷۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۸۱۵-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر لری -- قرن ۱۴
موضوع	: Lori poetry -- 20 th century
موضوع	: شعر لری -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	: Lori poetry -- 20 th century -- Translations into Persian
موضوع	: لای‌زنگانی
موضوع	: Layzangani dialect*
موضوع	: PIR۳۲۸۶/۱۲۴۳۹ ۱۳۹۶
رده‌بندی	: چ ۴۹۹
شماره کتابخانه ملی	: ۵۰۹۷۵۲۷



عشق دریجهای به خیال

حسن رنجبر

صفحه‌آرایی: ندا گزینی □ طرح جلد: حسن آگهی و تبلیغات سی‌راه

لیتوگرافی و چاپ: دنیا □ تیراژ: ۱۰۰ جلد □ چاپ اول: ۱۳۹۸

حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۳۲۲۶۶۶۱-۳۲۲۶۶۶۱-۳۱۲۳۶۶۱-۰۷۱

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵-۲۱۵۲۲-۰۲۱-۸۸۹۰۵۹۴۵

پست الکترونیکی: navideshiraz.pub@gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

ISBN: 978-600-192-815-4

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۸۱۵-۴

فهرست سروده‌ها

عنوان	صفحه
دیباجه	۷
جدول آوانگاری	۲۱
غزل‌ها	۲۳
ترانه‌ها (دوبیتی‌ها)	۸۳
سه‌لختی‌ها	۱۶۵
شش‌پرها	۱۷۷
مثنوی‌ها	۲۰۶
مسمط	۲۰۶

دیباچه

معرفی روستای مازنیان

لای‌زنگان روستایی است در تالش شهر داراب در استان فارس. این روستای کوهستانی با حدود ۲۱۰۰ نفر جمعیت، در ۵۴ کیلومتری شرق داراب واقع شده است. شغل بیش‌تر مردم این روستا، باغداری است که بیش‌تر به شکل دیم انجام می‌شود. در فارس نام‌های ناصری، رباره‌ی این روستا چنین آمده است: «معادن داراب دهاتی باشد که در کوهستان افتاده است و همه‌ی آن‌ها سردسیری و در زمستان برف نشین است و ناحیه‌ی آن معادن در جانب شرق شهر داراب افتاده، مانده معدن ارم و معدن برقدان و معدن خفر و گنبد و معدن لای‌زنگو و معدن نوایگان... معیشت اهالی این معادن همه از میوه‌های تر و خشک سردسیری و میوه و غنچه‌ی خشک گل سرخ است که همه حمل هندوستان کنند.» (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۳۱۸)

محصولات عمده‌ی این روستا در بخش درختان دیم بادام، گل سرخ محمدی، میوه و گردو، و در بخش درختان آبی پرتقال و انار است. از صنایع دستی این روستا می‌توان قالی، گلیم، توبره، جوال و ... را نام برد.

تاریخ و نحوه‌ی شکل‌گیری روستا

تاریخ و چگونگی پیدایش روستا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اما آن‌گونه که از شواهدی چون گفته‌های مردم، آداب و رسوم و واژه‌های مترادف فراوان در این روستا بر می‌آید، طی سالیان متمادی افرادی به این روستا آمده و در آن ساکن شده‌اند. آقای صداقت کیش معتقدند که در دوره‌ی شاه عباس کبیر افرادی در این روستا زندگی می‌کرده‌اند. چرا که ایشان در این روستا سنگ قبری یافته‌اند که تاریخ ۱۰۲۸ ه‍.ق را نشان می‌دهد. این سنگ قبر معنوی به ردی به نام ملاحسینعلی است. (صداقت کیش، ۱۳۸۵: ۱۵) برخی افراد روستا معتقدند که اولین کسانی که به این روستا آمده و ساکن شده‌اند در یک لشکرکشی به همراه تیمور لنگ به این روستا آمده‌اند. همچنین به گفته‌ی آقای صداقت کیش «مردم لای‌زنگان معتقدند که لر هستند و در یک لشکرکشی به همراه طغی‌علی خان زند آمده‌اند و همین جا ساکن شده‌اند.» (همان: ۱۵) آقای صداقت کیش با توجه به سنگ قبری به تاریخ ۱۲۹۲ متعلق به فردی به نام «قاید حسین خان خلف مرحمت پناه قاید خورشید»، معتقد است که قاید لقا، همان که لرها به عنوان پیشوند اسم دارند و در نتیجه لرها به لای‌زنگان آمده‌اند. (همان: ۱۵) بنابراین عده‌ای در ابتدا در لای‌زنگان ساکن بوده‌اند، سپس عده‌ای از همراهان لطفعلی خان زند به این روستا آمده‌اند. اما گفتار فوق مربوط به گروهی اندک از مردم لای‌زنگان می‌شود. در این میان عده‌ای از مردم لای‌زنگان معتقدند که از زابل به این مکان آمده و ساکن شده‌اند، عده‌ای دیگر معتقدند که از کرمان به این روستا آمده‌اند، عده‌ای نیز معتقدند که به همراه لشکر لطفعلی خان زند به این روستا آمده‌اند و ... این امر نشان می‌دهد که طی سال‌های متمادی

گروه‌هایی به این روستا آمده‌اند که تاریخ ورود هیچ کدام از این گروه‌ها و طایفه‌ها به طور دقیق بر ما آشکار نیست.

نام‌های این روستا

به گفتن مردم روستا در گذشته به این روستا «لای زرو» lāy-zaru (= لای زرو) می‌گفتند. همچنین برخی اسناد باقی‌مانده نشان می‌دهد که به این روستا «زنگان» می‌گفته‌اند. چنان‌که در نامه‌ای متعلق به جد پدری نویسنده آمده است: «مفر ولد مرحوم جلال یوزگیری». به هر حال هم‌اکنون به این روستا «لای زنگان» می‌گویند که به نظر می‌رسد «لای سنگان» بوده و صامت «س» به «ز» تبدیل شده است. همان‌گونه که در گویش این روستا واژه‌ی مگس به تَغْزِی may tazbi و تسبیح به تَزْبِی tazbi تبدیل شده است (صیادکوه و رنجبر ۱۳۸۲: ۱۰). به علاوه در اسناد دست‌نویسی چون برگه‌های انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی نیز نام روستا به صورت «لای سنگان» آمده است.

در گذشته‌ای نه چندان دور مردم این روستا در چهار نقطه ساکن داشتند:

۱- «خشم بالا» xašam-e bā:lā: که از نظر جغرافیایی بالاتر از دهکده محلها قرار دارد. مردم این محل به سبب سیل سال ۱۳۷۱ که باعث فوت چند تن و ویرانی خانه‌ها شد، این نقطه را ترک کردند و در فاصله‌ی ۲۵ کیلومتری لای زنگان، «شهرک ولیعصر» را به وجود آوردند.

۲- «خشم میون» xašam-e miyun: که قدیمی‌تر بوده و ساکنان آن در کلبه‌هایی ساخته شده از سنگ بدون ملات زندگی می‌کردند. مردم این

محل در سالیان گذشته در «خشم شی» و تعدادی در «معدنگاه» ساکن شدند، که سال‌های زیادی از این ماجرا می‌گذرد و افراد کهن سال روستا نیز این انتقال را به یاد ندارند.

۳- «معدنگاه»: این مکان از نظر جغرافیایی در دامنه‌ی کوهی در غرب لای‌زنگان قرار دارد.

۴- «خشم شی»: xašam-e šī: این محله به سبب رشد جمعیت و گسترش روستا با «معدنگاه» ادغام شده و لای‌زنگان فعلی را به وجود آورده است.

گم شدن لای‌زنگانی

این روستا دارای گویشی خاص است که حتی با روستاهایی که در چند کیلومتری آن قرار دارد کاملاً متفاوت است. به گفته‌ی آقای سلامی، «زبان مردم لای‌زنگان لر است که با لری سرزمین مادری تفاوت قابل توجهی دارد» (سلامی، ۱۳۹۰، ۴۹). شاید گویش لای‌زنگانی را بتوان یکی از گویش‌هایی دانست که استاد خانلری در کتاب تاریخ زبان فارسی از آن‌ها چنین یاد کرده است: «در بعضی روستاهای استان فارس، گویش‌های خاصی هست که با وجود زبان جاری سراسر استان، که فارسی است هنوز بر جای مانده‌اند اگرچه هرگز کتابت نداشته و به نام زبان دری نیافته‌اند...» (خانلری، ۱۳۶۹: ۳۰۰).

الف- نشانه‌های کهنگی:

این گویش به دلیل دور بودن از مراکز شهری و نیز عدم نفوذ وسایل ارتباط جمعی به صورت گسترده تا چند دهه پیش، دست‌نخورده باقی مانده است. اگر بخواهیم نشانه‌های کهنگی این گویش را به طور دقیق و گسترده

بررسی کنیم، مطلب به درازا خواهد کشید و از حوصله‌ی این مجال فراتر خواهد رفت. ما در این مجال کوتاه، تنها به چند نمونه از نشانه‌های کهنگی اشاره و بسنده می‌کنیم.

۱- واژها:

ریشه‌ی برخی واژه‌ها در این گویش را باید در متون قدیمی و حتی فارسی پزوی جست‌وجو کرد. برای نمونه:

در زبان پهلوی واژه‌ی **برو** *boru* به معنای ابرو است (فره‌وشی، ۱۳۸۸: ۱۹) که در گویش لاری، زنگنه‌ای **بُر** *borm* به این معنا است. در زبان پهلوی واژه‌ی **کتک** *katak* به معنای اتاق است (همان: ۱۹) که در این گویش **کوتوک** *kutuk* به معنای اتاق کوچک است که بچه‌ها با سنگ و گل می‌سازند. در زبان پهلوی واژه‌ی **لوتک** *lu:tak* به معنای برهنه است (همان: ۷۵) در این گویش نیز واژه‌ی **لیت** و **لیتک** *li:t/ li: k* با ابدال *u* به *i*، به همین معنا استفاده می‌شود. نیز در زبان پهلوی واژه‌ی **مَزَگ** *mazag* به معنای مژه است (همان: ۴۷۵) که در گویش این روستا **مِزِگ** *meze:g* به این معنا است.

۲- واو عطف:

واو عطف در زبان فارسی قدیم **اُ** (*o*) و در زبان فارسی پهلوی **او** (*u*) است (انوری و گیوی، ۱۳۸۷: ۲۵۵) در این گویش نیز واو عطف، چنان‌که در اشعار این کتاب مشاهده خواهید کرد، به هر دو صورت **اُ** (*o*) و **او** (*u*) استفاده می‌شود. برای نمونه:

الف: کاربرد واو عطف به شکل ا (o):

کل و کو ایریزه شی، همه‌ی زمین ایشه آغاش

روز، عین یه چُراغی ایشه کور و ری‌سیا

kal o ku i-ri:z-a ši hame-y zamin i:-š-e a yâ:š

ruz eyne ya čorâ:y-i i:-š-e kur o ri: siyâ

(=تمام کوه‌ها پایین می‌ریزد، تمام زمین به دشتی مسطح تبدیل می‌شود.

خورشید مثل یک چراغ، خاموش و سیاه‌روی می‌شود)

ب- کاربرد واو عطف به شکل او (u):

ترس و لرز ایفته آغُرده‌ی بُر و بُشنه کل و کو

از زمین ایکنه دَن و شَل و شیک ایشه پا

tars o larz i-ft-e a gorde-y bar o bašn-e kal o ku

u zamin vč-y-kon-e da:n o šal o šik i:-š-e pâ:š

(=ترس و لرز در سراسر و بام کوه می‌افتد. و زمین دهان باز می‌کند و پاها

فلج می‌شود.)

۳- کاربرد ضمائر کیم، کت و کس:

این ضمائر که در متون گذشته می‌خوان، آن‌ها را مشاهده کرد، همچنان

در این گویش به کار می‌روند. البته ضمیر کیم در این گویش به صورت کُم

kom به کار می‌رود. برای نمونه بیهقی می‌گوید: «روا سوگند داده آمده

است که آن چه روّد پوشیده انہا کند چنان کیش دسد» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۳۰۹)

(۳۰۹)

نمونه‌ای از کاربرد این ضمائر در گویش لای‌زنگانی:

بگو کیش بیاره bogu keš biyâ:r-e : بگو که او را بیاورد.